

شگفت انگیزترین رودخانه‌های جهان

رودخانه پنجرنگ در کلمبیا، آلاسکای اروپا در سوئد، ماجراجویانه‌ترین رودخانه جهان در فرانسه و ... از خاص ترین جاذبه‌های آبی در جهان هستند



نجات شکنندی | روزنامه نگار

پرونده

رودها رنگ‌های حیات بخش زمین‌اند. بستر تمدن‌های اولیه بشریت، جاذبه‌هایی هستند که از میان کوه‌ها و دره‌ها، روستاها و شهرها عبور می‌کنند و همیشه یکی از مهم‌ترین عوامل برای شکوفایی و پررونق شدن شهرنشینی به شمار رفته‌اند. امروزه رودخانه‌ها علاوه بر جایگاه حیاتی قبل خود در محیط زیست، توسعه سیاسی و اقتصادی، ایفاگر نقش پررنگی در توسعه رونق گردشگری هم هستند. بعضی از این رودخانه‌ها، ویژگی‌های شگفت‌انگیزی دارند که از بقیه متمایزشان کرده است. رودخانه‌هایی که در کشورهای مختلف جهان قرار دارند و احتمالاً کمتر پیش آمده که اسم‌شان به گوش تان خورده باشد. در پرونده امروز زندگی سلام به معرفی ۸ رودخانه شگفت‌انگیز جهان خواهیم پرداخت. با ما همراه باشید.

رودخانه پنجرنگ

اسم رودخانه؟ کانپو کریستالس
کجاست؟ کلمبیا

رودخانه «کانپو کریستالس» که به نام رودخانه پنجرنگ هم شناخته می‌شود، تماشایی‌ترین شگفتی طبیعی در کشور کلمبیا به شمار می‌رود. این رودخانه که در محدوده کوهستانی سرانیا قرار دارد، بارنگ‌های خیره‌کننده‌ای همچون زرد روشن، سبز، آبی، سیاه و قرمز کف آن هر بیننده‌ای را متحیر می‌کند. علت رنگ قرمز این رودخانه رشد گیاه شیراب بلورین (Macarenia clavigera) در بستر رودخانه است. رنگ‌های دیگر از صخره‌های سیاه، جلبک سبز، آبی آب رودخانه و شن‌های زردنشت می‌گیرند. رودخانه کانپو کریستالس را می‌توان یک شگفتی خیره‌کننده طبیعی نامید و از آن جایی که هیچ گونه ماهی و موجود آبی در این رودخانه وجود ندارد، برای شنا کردن بسیار مناسب است، بنابراین بازدیدکنندگان می‌توانند از حمام بی‌وقفه در بستر رودخانه لذت بسیار ببرند!



اسب سواری و سطر رودخانه!

اسم رودخانه؟ گروس ونتز
کجاست؟ ایالت وایومینگ آمریکا

رودخانه «گروس ونتز» تنها ۱۲۰ کیلومتر انشعاب از رودخانه بزرگ اسنیک است، با این همه در ترکیب با محیط زیبایی اطرافش چشم‌ها را خیره می‌کند. بخش اعظم این رودخانه از بیابانی به همین نام که به خاطر طبیعت دست نخورده‌اش مشهور است، عبور می‌کند. رودخانه مذکور در میان ماهیگیرانی که برای صید ماهی قزل‌آلا به این جا می‌آیند، از محبوبیت زیادی برخوردار است. اسب سواری و کایاکینگ (کایاک نوعی قایق است) و همچنین پیاده‌روی از دیگر سرگرمی‌های این ناحیه هستند. مسیرهای پیاده‌روی فراوان، این اجازه را به علاقه‌مندان می‌دهد تا به راحتی در طبیعت بالزش محصور شده در محدوده تیتون به گشت و گذار بپردازند و لب به تحسین مناظر نفس گیر آن باز کنند.



محلی عالی برای ورزش‌های آبی

اسم رودخانه؟ سوکا
کجاست؟ اسلوونی

این رودخانه به دلیل داشتن آب شفاف و فیروزه‌ای با نام زمردی هم شناخته می‌شود. تعداد کمی رودخانه در دنیا وجود دارند که این گونه در تمام طول خود رنگ‌شان را حفظ می‌کنند. ورزش‌های آبی مختلف، به خصوص قایق سواری و ماهیگیری در این ناحیه از محبوبیت بالایی برخوردار است. فصل تابستان بهترین زمان برای سفر به این منطقه و لذت بردن از زیبایی‌های آن است و در سرمای زمستان می‌توان از لذت اسکی کردن در کوه‌های گولیان نهایت استفاده را برد.

عبور از زیرپل شیطان!

اسم رودخانه؟ ریوس
کجاست؟ سوئیس

«ریوس» به عنوان چهارمین رودخانه طولانی کشور سوئیس از میان مناطق جذابی می‌گذرد. این رودخانه همچنین از میان شهر زیبا و تاریخی لوسرن، دره دیدنی Reuss و تنگه Schöllenen عبور می‌کند که درون این تنگه می‌توانید پل مشهور شیطان را پیدا کنید. طبق افسانه‌ها، خود اهریمن در ساخت این پل شراکت داشته است! اگر روی این رودخانه سوار یک قایق شوید، می‌توانید از مکان‌های متنوع و زیبایی همچون روستاهای کوهستانی و شهرهای بزرگ در کوهپایه‌های دست نخورده عبور کنید.



پیاده روی جنگلی یک ساعته

اسم رودخانه؟ رادونا
کجاست؟ اسلوونی

رودخانه «رادونا» در تنگه‌ای زیبا در چند کیلومتری شهر بلد (Bled) واقع شده است. دره شگفت‌انگیز بلد دارای یک مسیر پیاده‌روی جنگلی و یک پل است که در طول رودخانه کشیده شده و فرصت گشت و گذار در محیط اطراف فراهم می‌کند. این مسیر در نقطه‌ای خیره‌کننده که منتهی به آبشار بسیار زیبایی است، به پایان می‌رسد و امکان تجربه یک پیاده‌روی هیجان‌انگیز در روز گرم تابستانی را در اختیار بازدیدکنندگان می‌گذارد. رودخانه‌ای زیبا و محیط بکر و واقعا خوش منظره اطرافش که در میان گردشگران از محبوبیت بالایی برخوردار است به همراه مسیری که تنها ۳ کیلومتر طول دارد و در حدود یک ساعت کامل می‌شود.



منابع این پرونده: pandotrip.com, wordpress.com, reddit.com

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه • ۲۲ دی ۱۴۰۰

۹ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۱۲ ژانویه ۲۰۲۲

شماره ۲۰۸۵۰

۲۰۷۰

یادگرفتم غم را به شادی بدل کنم

گفت و گو با «جواد انصافی»، کم‌دین با سابقه‌ای که در سال‌های اخیر تمرکزش را روی نمایش‌های شادی‌آور برای کودکان محک گذاشته است

الهه توانا | روزنامه نگار



اسمش تداعی‌گر تلاش برای شاد کردن است. تمام ۵۰ سال گذشته را در تلویزیون، روی صحنه و در رادیو مشغول خنداندن مردم بوده‌است و حالا قصد دارد دل نسل جدید را هم به دست بیاورد. «جواد انصافی»

۷۰ ساله، همان «عبدلی» پرانرژی و جوانی که از گذشته می‌شناسیم، این روزها با موسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان «محک» همکاری می‌کند. با او درباره محک و تلاش‌های اخیرش در اجرای نمایش‌های شادی‌آور گپ زده‌ایم.

● چند وقت است با محک همکاری می‌کنید؟

از حدود پنج، شش سال پیش همکاری‌ام با محک شروع شد. این بچه‌ها پیش از این در تجربه کاری‌ام مغفول مانده بودند و محک، بستری شد تا کاری را که دلم می‌خواست انجام بدهم، یعنی هدیه دادن شادی به همه اعضای جامعه. بچه‌های محک به روحیه و امید نیاز دارند و من تلاش می‌کنم با اجرای نمایش‌هایم به آن‌ها در زنده نگه داشتن امید به زندگی کمک کنم.

● شما سال‌ها سابقه اجرا دارید، اجرای برنامه برای بچه‌های نسل جدید چه اقتضائاتی دارد؟

من سال‌ها برای بزرگسالان کار کردم و الان فکر می‌کنم باید در انتقال مبانی فرهنگ غنی‌مان به بچه‌ها تلاش کنیم. برای همین محوریت اجراهایم برای نسل جدید آیین‌های ملی است؛ نمایش سیاه‌بازی، آیین یلدا، چهارشنبه‌سوری، مهرگان، تیرگان و ... هر کدام از این آیین‌ها جزئیاتی دارند که در حال فراموشی هستند؛ برای مثال همه ما عموم‌نوروز و حاجی‌فیروز را می‌شناسیم اما آیین نوروزی در اقوام مختلف ایرانی، رنگ‌وبوی خاص خودش را دارد. مثلاً در خطه آذربایجان، «تکم چی» ها را داریم؛ تکم گردان‌هایک عروسک بزرگ که پیام‌آور نوروز است، می‌چرخانند و آواز می‌خوانند. در شمال کشور، مراسم «نوروز سلطان» را داریم و در استان مرکزی «رشکی و ماسی» را. «میرنوروزی» و «آتش افروز» هم از رسومی است که از گذشته در کردستان باقی مانده‌است. من در ۱۰ سال گذشته تلاش کرده‌ام در برنامه‌های مختلف این آیین‌ها و نوروز خوانی‌ها را به بچه‌ها بشناسانم.

● دیدن بچه‌ها روی تخت بیمارستان اصلاً کار آسانی نیست. چطور روحیه تان را با لنگه می‌دارید که کم‌نیاورید؟ کار من در تمام این سال‌ها اجرای نمایش‌های شادی‌آور بوده‌است؛ یعنی باید بلد باشم شادی را در هر شرایطی به مردم منتقل کنم، حتی وقتی خودم غم دارم. یکی از چیزهایی که کمکم می‌کنم روحیه‌ام را نیازم، یادآوری این نکته است که وظیفه سنگینی بر عهده دارم. مدام به خودم می‌گویم به وظیفه‌ات فکر کن. با غم‌هایت کنار بیا و به شادی تبدیل‌شان کن. خب در تجربه کار با بچه‌های محک هم طبعاً ناراحت می‌شوم ولی تجربه این سال‌ها و یادآوری وظیفه‌ام باعث می‌شود توانی در خودم پیدا کنم که ناراحتی را کنار بگذارم.

● طبعاً در این سال‌ها اتفاقاتی هم رخ داده‌است که با اتکابه آن‌ها انرژی بگیرید. بله، یکی از زیباترین تجربه‌هایم را برای تان تعریف می‌کنم. در یکی از اجراهایم برای بچه‌های بیمار، به بخش ایزوله رفتم. یعنی اجازه نداشتیم توی اتاق بچه‌ها بروم. باید در راهرو اجرا می‌کردم و بچه‌ها از پشت شیشه تماشا می‌کردند. مسئول بخش قبل از شروع کار به من گفت یکی از بچه‌های این بخش در چهار ماه گذشته لیخنه به لبش نیامده‌است. ببین می‌توانی کاری بکنی. اجرا شروع شد، آن بچه بعد از چهار ماه خندید، مادرش اشک ریخت و این تجربه برای همیشه در ذهن من ماندگار شد.

● برنامه‌ای برای گسترش اجراهای شادی‌آور به سایر مراکز و بیمارستان‌های کودکان دارید؟ من پیش از این برای کودکان دارای نیازهای ویژه یعنی نابینایان، ناشنوایان و کم‌توان‌های ذهنی برنامه‌هایی داشتم. حتی بعضی از این برنامه‌ها را با همکاری خودشان انجام داده‌ام. برای مثال یک گروه ۱۸ نفره از دختران نابینا داشتم که به جشنواره فجر هم راه پیدا کردند. همه هدفم در گروه این بود که بچه‌ها بتوانند حق‌شان را مطالبه کنند. باعث افتخار است که آن بچه‌ها به جاهای خیلی خوب رسیدند؛ شش نفرشان دانشگاه رفتند، یکی‌شان شد مسئول برنامه‌های رادیویی، یک نفر وارد کار خبرنگاری شد و یکی دیگر سر از مدرسه نابینایان در آورد تا به بچه‌های مثل خودش آموزش بدهد. این تجربیات باعث شد دو پسر، امیرحسین و امیرمحمد هم به حوزه فعالیت‌های من علاقه‌مند شوند. مدتی است برای خودشان تیمی تشکیل داده‌اند که با هدف بهره‌گرفتن از جنبه روان‌درمانی تئاتر، در بیمارستان‌ها برای بچه‌ها نمایش‌های شادی‌آور اجرا می‌کنند.

